

از لابلای یادداشت ها و نیشته های روزمره ام

## دربازی شطرنج کنونی کی ها برنده خواهند بود؟

چگونگی اوضاع و احوال اتفاقیه سال ۲۰۱۸

بازنگری تاکتیک های رزمی و بررسی توازن قوا

تاثیرگذاری و موثریت سازماندهی امور  
نقش آفرینی بازیگران منطقه یی  
نحوه عملکرد قوت های ذینفع  
شیوه تنظیم و تهیه برنامه ها

در شرایط کنونی، جهان و جهانیان از آسیا تا آفریقا و آمریکا و اروپا و استرلیا، همه ی ما در وضعیت نهایت آشفته ای بسر می بریم. در چنین وضعیت نا هنجار، از جمله، چین علاقمند است بداند که کی ها در کوریای شمالی صلح طلب می باشند و ایالات متحده نیز هیچگاهی به سرزنش پاکستان اصلن مبادرت نمی ورزد.

مقدم بر همه، قابل تذکار پنداشته می شود که برای لحظه ای هم نمی توان فراموش نمود که همین اکنون نیز، جنگ سرد ادامه داشته و "جهانی سازی" بمفهوم وسیع کلمه، تمامی مرزهای کشورهای مستقل را از سر راهش برداشته و همز مان با آن، انسان به موجود اتمی مبدل می گردد. فراموش نمودن چنین واقعیت هایی اصلن مقدور نمی باشد. بنابراین، حمله و یورش به دولت های مستقل ملی، سبب اظهار تأسف گردانندگان ماشین جنگی می گردد. ایالات متحده، بویژه طی ماهای پسین، در تمامی جبهه هایش از آسیا تا شرق نزدیک و آفریقا، از مکزیک تا هایتی و وینزویلا، جابجا گردید.

از یکجانب، در نتیجه با به ثمر نشستن برنامه های از قبل تدوین شده، راکت پراگنی ها و انفجارها، عده بی شماری را بکا م مرگ فرو برده، آبادی ها، شهرها و دهات و قصبات به ویرانه مبدل گردیده و از جانب دیگر، شاهد افزایش درآمدهای نفتی بوده و همزمان با آن، طرح ستراتیژی جدید مطرح بحث قرار داده می شود.

توجه و دقت لازم به ویژگی های شخصی رئیس کنونی کاخ سپید چنین می رساند که نامبرده از حدود معمول و پذیر یافته شده، پا فراتر می گذارد. در چنین وضعیتی، دونالد ترامپ، خودش را مانند ماهی در آب احساس می نماید. نامبرده حتا بارها در مورد تهیه و تدوین یک پیش نمایش برنامه ریزی نشده اصرار ورزیده و در آن موفقیت هایی نیز بدست آورد. در نتیجه، چنین پیشبینی هایی نیز بعمل می آید که کابینه رئیس جمهور ترامپ، همه موانع موجود از سر راهش را خواهد برداشت. اما نباید فراموش نمود که کشور چین، بمثابه اصلی ترین رقیب ژئوپولیتیکی ایالات متحده محسوب گردیده

و این کشور اخیر الذکر است که پکن را بمثابه دشمن وبه مانعی در چگونگی تطبیق برنامه ها و عملکردهای آن در حوزه نفوذش در آسیا یعنی در پیونگ یانگ، اسلام آباد و کابل تلقی می نماید.

سوالی مطرح می گردد که طی سال قبل، ایا واقعن پاکستان برای غرب به معمایی میدل گردید؟

وزارت خارجه ایالات متحده، پاکستان را شامل فهرست کشورهای ناقض آزادی انتخاب عقاید مذهبی نموده و در پی قطع کمک هایش به پاکستان گردید. در پاسخ، خواجه آصف وزیر امور خارجه آن کشور، اعلام داشت که میان دو کشور (پاکستان و ایالات متحده)، اتحادی موجود نبوده و همچنان یادآور شد که می توان واشنگتن را بمثابه دوستی که بگونه متداوم، به خیانت متوسل می گردد، محسوب نمود.

واشنگتن با پنهان گردیدن پشت شعار "مبارزه علیه تروریسم در جنول آسیا" (که در اصل، بمنظور دفاع از منافع ایالات متحده ایجاد گردید) پنهان گردیده و صرف از یک واقعیت، تب بر اندامش می دمد و آن، ترس و هراس از دست دادن مسیر های زمینی و هوایی پاکستان می باشد. در اینجا پرسشی مطرح بحث قرار می گیرد که سیاست متذکره، برای کشور ما چه چیزی را به ارمغان آورد؟

در پاسخ به پرسش فوق می توان اظهار داشت که اتفاق تازه ای در کابل رخ داد و آن باین مفهوم که اشرف غنی رئیس جمهور کشور اظهار داشت که قوت های مسلح کشور، بدون حمایه ایالات متحده مدت زمان مدیدی نمی توانند به موجودیت شان ادامه دهند.

در همان زمان پکن در صدد انکشاف روابط و مناسباتش با کابل گردید، اما واشنگتن در تقلید از امر "مبارزه علیه تروریزم"، بسیار هم موفق نبود و در موقع یادشده، همه هم و توجهش متوجه دستیابی به راهها و طرق انتقال سلاح و مهمات و اشیای مورد ضرورت قوت های مسلح موجود ایالات متحده در کشور ما مبذول گردیده و در مقابل، درگیری های نظامی و در نتیجه، عدم ثبات در کشور ما همچنان تداوم حاصل نمود.

پس از بقدرت رسیدن دونالد ترامپ در ایالات متحده، قبل از همه نامبرده در صدد ارسال نیروهای نظامی بیشتر به کشور ما گردید. از داستان موجودیت پایگاهها و مراکز نظامی در اراضی پاکستان (که هیچگاهی هم اقدام عملی و مؤثری علیه آنها صورت نگرفت)، بمنظور توجیه حضور و موجودیت قوت های نظامی ایالات متحده و ناتو در کشور ما استفاده ابزاری بعمل آمد. ترامپ اظهار داشته و تأکید بعمل آورد که با تطبیق ستراتیژی جدید آن کشور، نایل گردیدن به پیروزی در افغانستان امکان پذیر می باشد. نامبرده چنین استدلال نمود که در افغانستان باید پیروز گردید. با این حال، رئیس جمهور ایالات متحده با وضوح کاملی به ستراتیژی شکست خورده و غیر عملی متوسل گردید که قبل از همه و بیش از سایرین، تندر و های بنیادگرا از آن سود خواهند برد.

طی سالی که سپری گردید، واشنگتن بگونه پیهمی اصرار ورزید که موجودیت قوت های جنگی و نظامیان ایالات متحده در افغانستان، بمنظور جلوگیری از ایجاد مکان امن تروریست ها می باشد که بیش از این نتوانند با استفاده از آن منافع آن کشور را مورد تهدید قرار دهند که این از ضرورت های میرم و حیاتی آن کشور محسوب می گردد. چنین اظهار نظر هایی از طریق وسایل اطلاعات جمعی آن کشور وسیعن گزارش گردید و انعکاس یافت که خود بمثابه فاکت انکار ناپذیری بشمار می آید.

دونالد ترامپ، بگونه منحصر بفردی بمنظور توجیه فرستادن نظامیان به کشور ما، چنین اقامه دعوا نمود که با عدم موجودیت نظامیان آن کشور در افغانستان، از مسأله ایجاد خلأ در کشور ما هشدار داده و جلوگیری از ایجاد چنین خلایی را از فوری ترین و مهمترین وظایف موجود پنداشت، در غیر آن، با ایجاد چنین خلایی، بیش از همه مخالفان مسلح تشجیع گردیده، خلای مورد نظر توسط آنها پُر خواهد گردیده و مجددن بر ایالات متحده حملات شان را سازماندهی و اجرا خوا هند نمود.

در اینمورد تأکید بعمل می آید که صحبت و طرح مطالب در مورد پناهندگی تروریست ها در اراضی کشور ما، افسانه ای بیش نبوده و با واقعیت های موجود هیچگونه سر سازگاری نداشت و ندارد، بلکه واشنگتن با استفاده از چنین ابزار، از یکجانب بمنظور متباز ساختن جنبه حقوقی حضور قوت های آن کشور در اراضی افغانستان و از جانب دیگر هم بگونه همیشگی در صدد توجیه ناتوانایی هایش در کشور ما می باشد.

عده ایی با این عقیده هم نظر می باشند که حمله و یورش قوت های نظامی ایالات متحده به افغانستان و اثر گذاری

بالفعل و بالقوه ایالات متحده، به عاملی مبدل گردید که سبب شد تا افغان ها، کشورشان را تقریباً از دست رفته محسوب نمایند.

اسلام آباد بگونه دوامداری با بکارگیری و استفاده از چنین وضعیت و به کمک نیروهای غیرقابل کنترل تروریستی، بمنظور استقرار حاکمیت دست نشانده در کابل که بمثابه عروسکی در دستان پاکستان قرار داشته باشد، تلاشهای تب آلودی بخرچ می دهد. هدف پاکستان واضح و مبرهن می باشد و آن اینکه با بوجود آمدن وضعیت گفته آمده، در اراضی کشور ما به ایجاد جبهه اسلامی ضد هندی مبادرت ورزیده و فعالیت هایش را از این طریق علیه منافع هند سوق و اداره نماید. در آغاز ماه دسامبر سال قبل، وزیر دفاع ایالات متحده به پاکستان سفر نمود. هدف سفر یادشده را طرح مسایل مورد نظر، از جمله یکی هم این مسأله تشکیل می داد تا رهبران پاکستان را قانع سازد که از حمایت و پشتیبانی جنگجویانی که به انجام فعالیت های تروریستی در اراضی افغانستان مبادرت می ورزند، منصرف گردند.

در ماه اکتوبر سال قبل، وزیر دفاع ایالات متحده اظهار داشت که ایالات متحده ناگزیر است باز هم سعی ورزد تا پاکستان را بمنظور تطبیق ستراتیژی جدید ایالات متحده در افغانستان، متقاعد سازد. اگر تلاش ها در مورد یادشده کارساز نباشد، بگفته دونالد ترامپ، کشورش آماده است تا از کلیه اقدامات ممکن استفاده بعمل آورد.

در پاسخ بدعوت وزیر دفاع ایالات متحده، یکی از جمله کارمندان دولت پاکستان اظهار نمود که دولت کشورش در شرایط نهایت غبار آلود و غیر قابل تشخیص، اقدامات مقتضی علیه تمامی تروریست ها در سرزمین پاکستان انجام داد، اما با این حال آشکار گردید که بیانیه ها و موقف رسمی در مورد، نادرست و خلاف واقعیت بود. حتا بگفته جان نیکلسون قوماندهای نظامی ایالات متحده و ناتو در کشور ما، جنگجویان "طالب" در اراضی پاکستان از مراکز و محلات امنی برخوردار بوده و اما هیچگاه و در هیچ زمانی بر علیه چنین مراکز، اقدامات عملی و قاطعی بعمل نیامده است.

پاکستان طی سالی که سپری گردید، بگونه سال های قبل در امر دفاع و یاری رسانیدن به "طالب" ها از هیچگونه مساعدتی دریغ نورزید. قرار اظهارات افراد و اشخاص ناظر، "طالب" ها کمک ها و معاونت های لازمی از پاکستان دریافت نموده و همچنان از آنها بمثابه آله فشار علیه کشور ما استفاده ابزاری بعمل می آید.

در گزارش "ستراتیژی هند و پاکستان در افغانستان" که توسط مرکز مطالعات ستراتیژیک ایالات متحده تهیه گردیده، از جمله می خوانیم که پاکستان در افغانستان اهداف چند گانه ای را دنبال می نماید. دولت پاکستان در صدد محدود نمودن و جلوگیری از وسعت تأثیر گذاری هند در افغانستان بوده و در پی تضعیف و کم اهمیت جلوه دادن ادعاهای کشور ما در باره مناطق مرزی مورد اختلاف افغانستان - پاکستان بوده و همچنان بمنظور ایجاد مناطق امن برای جنگجویان، برای آنهایی که قبل بر این در اراضی آن کشور آموزش های نظامی و تخریبکاری فرا گرفته اند، می باشد. همچنان پاکستان فعالانه تلاش می ورزد تا همگرایی منطقه ای با کشور ما را نیز تضعیف نموده و کم رنگ جلوه دهد. بمنظور تطبیق اینهمه برنامه های ذکر شده، پاکستان به موجودیت فعال "طالب" ها اشد ضرورت دارد.

پشتیبانی و حمایت از "طالب" ها، با توجه به تأثیر گذاری در منطقه، بمثابه بخش اساسی و عمده ای در مجموعه ستراتیژی تیزی دراز مدت پاکستان محسوب می گردد. هدف پاکستان عبارت از هژمونی منطوقی و مقابله با نفوذ هند می باشد. چنانچه پاکستان تمایل دارد تا با ایجاد جبهه وسیع اسلامی در اراضی پاکستان، کشمیر، افغانستان و در نهایت امر، در آسیای مرکزی بمنظور ایجاد تعادل در قبال جاه طلبی های هند که رقیب سنتی پاکستان شمرده می شود، مبادرت ورزد. حاکمیت سیاسی کشور سعی ورزید تا بمنظور اطمینان پاکستان به تدابیر و اقدامات لازمی متوسل گردیده و به پاکستان القا نماید که افغانستان را بمثابه دوست قابل اعتمادش در منطقه بحساب آورد. دولت افغانستان همچنان در پی آن شد تا به پاکستان اطمینان دهد که اسلام آباد می تواند بدون کمک و معاونت گروه های دهشت افکن، در پی دفاع از منافعش در افغانستان باشد.

دولت افغانستان بمنظور جلوگیری از تشنج در روابط با و مناسبات با پاکستان، بویژه در ارتباط به ادعای آن کشور مبنی بر تأثیر گذاری و نفوذ هند در کشور ما، طی سال ۱۳۹۳، از قرارداد منعقد تسلیحاتی با هند انصراف ورزید. از آغاز سال ۱۳۹۴ عده ای از کاردان های نظامی کشور ما غرض فراگیری های نظامی بمنظور حفظ توازن با برنامه های هند در عرصه آموزش و تربیه افراد شاغل در نهادهای قدرت کشور ما به پاکستان فرستاده شدند. همچنان در سال ۱۳۹۴ میان کابل و اسلام آباد موافقتنامه ای مبنی بر تبادل اطلاعات استخباراتی در عرصه مبارزه با تروریسم در منطقه عقد گردید.

طی سال ۱۳۹۵ افغانستان سهم تعیین شده انرژی برای پاکستان را از طریق کاسا - ۱۰۰۰، به آن کشور انتقال داد، پاکستان چگونه کُلی با بحران جدی انرژی مواجه می باشد. باوجود اینهمه، اسلام آباد، کابل را بمثابه دشمن می پندارد. همچنان خوب بخاطر داریم که درگردهمایی نماینده‌های ناتو در بروکسل، جنرال نیکلسون اعلام نمود که هیچگونه تغییری در رفتار و کنش پاکستان در عرصه وارد نمودن فشار و اقدامات لازم علیه دهشت افگنان که در آن کشور پناهگاه دارند، اصلن بمشاهده نمی رسد. بسیاری ها معتقدند که رهبری بخش نظامی پاکستان، بیش از همه بر اوضاع تأثیرگذار بوده و بر حالات تسلط دارند.

اردو و نظامیان در کشور پاکستان، یکی از جمله نهادهای قدرتمندی محسوب می گردند. قوت های مسلح و نظامیان پاکستان، سیاست خارجی آن کشور را سمت و سو می بخشند. رهبری نظامی پاکستان، بااستثنای چین، سایر کشورهای همجوار پاکستان را برای آن کشور تهدید تلقی می نمایند. بنابراین، هرگونه اقدام کابل بمنظور بهبود روابط با اسلام آباد، بیهوده پنداشته می شود. اسلام آباد هرگز کابل را بمثابه شریک صادق محسوب نمی نماید.

علاوه بر آن، اردوی پاکستان، فضای تهدید دائمی را برای کشورهای همجوار منطقه ای اش ایجاد نموده است. همه تهدیدات یادشده، بگونه کلی توجیه کننده نقش تمام عیار و همه جانبه نظامیان در دولت آن کشور می باشد.

بگفته بسیاری از کارشناسان، ستراتیژی کنونی پاکستان، بگونه قطعی انعکاس دهنده ستراتیژی آن کشور طی سال های ۱۳۷۳-۱۳۷۷ می باشد، زمانی که نظامیان پاکستان و اداره استخبارات آن کشور هزاران تن از مخالفان مسلح کشور ما را گرد آورده، مسلح نموده و غرض تخریب و آدمکشی و تداوم جنگ علیه حاکمیت سیاسی کشوما گسیل نمودند. مسوول اینهمه ویرانی و کشتار در کشور عزیز ما کی ها پنداشته می شوند؟

چندی قبل، "لوس انجلس تایمز" نوشت که به استثنای جنگ ویتنام، در طول تاریخ ایالات متحده، چگونگی وضعیت نظامی در افغانستان بازگوی دومین شکست بزرگ قوت های نظامی و جنگی ایالات متحده محسوب می گردد. در شرايط و وضعیت کنونی، همه بااستثنای عده ای از سیاستمداران، با این مسأله متفق الرأی می باشند که ویتنام گونه حما سی شکست ناپذیری اش را باثبات رسانید، اما در افغانستان، همه موارد و واقعیت ها از هم متفاوت بوده و قابل تفکیک می باشد. باوجود آنهمه، در هر دو حوزه سیاسی و نظامی، با حيله گری هایی اذهان عامه را مغشوش نموده و با ترفند های منحصر بفردی مردم را فریب می دهند.

جنرال جوزف دانفورد لوی در ستیز قوت های مسلح ایالات متحده اظهار داشت که جنگ در افغانستان با "بن بست" مواجه گردیده است. تمامی قوماندان های نظامی آن کشور با گفته ها و اظهارات نامبرده موافق می باشند. در این میان نباید فراموش خاطر ما گردد که ایالات متحده ۱۸ سال قبل عملیات نظامی "آزادی پایدار" را بمنظور قلع و قمع نمودن گروه متذکره راه اندازی نمود، اما در شرایط امروزی، نیروهای مسلح مخالف بیشتر از ۶۰ درصد از اراضی کشور را در اختیار دارند.

ظاهرن چنین وضعی با حملات غیرقانونی در موصل عراق و رقه در سوریه شباهت هایی را بهم می رساند که می تواند دلیل خوبی برای اصلاح نیروهای ویژه ایالات متحده محسوب گردد.

در مورد اهمیت تحولات برنامه ریزی شده، قانونگذاران متعصب، تبلیغات کرکننده ای براه انداختند، اما یادآور باید شد که مسایل فوق را بگونه مستقیم در کانگرس ایالات متحده مطرح بحث قرار نداده بلکه قبل از همه در مورد قانون "دفاع ملی ۲۰۱۹" و در مورد ضرورت و اهمیت تقویت و وسعت عملکرد نیروهای ویژه آن کشور پافشاری گردید. موضوع فوق، قبل از همه و بیش از سایر موارد، به امر "رقابت" با ساختارهای مشابه روسیه و چین تأکید بعمل آمد.

پنجم ماه جنوری سال ۲۰۱۹